

۴ - برپایی اتحادیه جدید تولیدکنندگان فولاد در آمریکا

آقای " جیمز کالینز " ، رئیس " اتحادیه ملی تولید کنندگان فولاد" (1) (NSPA) - سازمانی که بتازگی در ایالات متحده تأسیس شده است - ، درخواست نمود که نسبت به مشکلات جهانی تجارت فولاد، مبادرت به یک برخورد بین المللی گردد. وی اخیراً " به نقاط مختلف مسافرت نمود تا حمایت محافل داخلی ایالات متحده و نیز محافل کشورهای خارجی را نسبت به این سازمان جلب نماید. آقای " کالینز" در سفر خود به لندن متذکر گردید که تاکنون حدود ده شرکت فولادسازی آمریکائی - شامل واحدهای کوچک تولیدی و نیز واحدهای زنجیره ای کوچک - آمادگی خود را برای پیوستن به " NSPA " اعلام داشته اند و دست اندرکاران این اتحادیه امیدوارند که تا پایان ماه سپتامبر، تعداد اعضاء لااقل به ۲۵ عضو افزایش یابد.

همچنین آقای " کالینز" پس از مذاکره با دست اندرکاران " شرکت فولاد بریتانیا " (BSC) خاطر نشان ساخت که این شرکت می تواند به اعضای فرعی " NSPA " بپیوندد. دست اندرکاران " BSC " نیز اظهار داشته اند که اقدامات آقای " کالینز" را با علاقه پیگیری می نمایند و احتمال نیز دارد که شرکت تابعه " BSC " - که در ایالات متحده واقع گردیده است - جزو اعضای فرعی " NSPA " گردد. شایان ذکر است که شرکت " BSC "

(1): "National Steel Producers' Association"

مالک مقداری از سهام واحد " توسکالوسا استیل" (Tuscaloosa Steel) - که یک شرکت تولید صفحات فولادی بوده و در " آلاباما " واقع است - می‌باشد که مقداری از " اسلاب " مورد نیاز آن از انگلستان تامین می‌گردد .

اتحادیه " NSPA " بدین منظور برپاگردیده است که منافع اعضای آنرا آنهم در سطح ملی ، در چارچوب سیاست‌های مربوط به واردات ، تجارت بین‌المللی ، تکنولوژی ، حقوق بازنشستگی ، تعطیلی مجتمع های تولیدی و بالاخره امور مربوط به محیط زیست ، تأمین نماید . آقای " کالینز " همچنین خاطر نشان ساخت که این اتحادیه تلاش خواهد نمود تا هزینه های مربوط به برپائی پروژه های زیربنائی را افزایش دهد تا بدینوسیله سطح تقاضا برای فرآورده های فولاد دچار افزایش شود . معذای از مشخص تر نمودن وضع " NSPA " در زمینه واردات و نیز دیگر مسائل کلیدی ، خودداری ورزید .

اتحادیه مذکور امیدوار است که با توجه به ۶ کارمند تمام وقت حقوقی خود (مستقر در واشنگتن) بتواند در سطح فدرال ، به سازمانی با نفوذ مبدل گردد . آقای " کالینز " اظهار داشت که از لحاظ حقوقی ، اتحادیه " NSPA " نسبت به " موه سه آهن و فولاد آمریکا " (AISI) حضوری بمراتب قوی تر خواهد داشت لکن هزینه های آن در مقایسه با دیگر گروه های مرتبط بسیار تجارت فولاد ، کمتر خواهد بود .

وی تأکید نمود که در حال حاضر می باید توجه معطوف به آن باشد که هنگامی که سیستم جاری " موافقتنامه های تحدید

دا و طلبانه صادرات فولاد^(۱) (VRA) در ۲۷ ماه آئینده ملغی کردید، چه مسائلی روی خواهد داد. آقای " کالینز " برای حل این مسئله و دیگر مسائل حادثجاری، پیشنهاد نمود که راه حل‌های بین‌المللی عرضه گردند.

وی اظهار داشت که در طی دهسال گذشته، کشورهای ژاپن، " جامعه اقتصادی اروپا " (EEC) و ایالات متحده تنها در سطح ملی سرگرم حل مشکلات مربوط به صنعت فولاد بوده‌اند. دولت‌های مختلف و " سازمان همکاری و توسعه اقتصادی " (OECD) نیز کمتر به یافتن موضع مشترک همت‌گمارده‌اند و در نتیجه هیچ مرجعی بطور واقعی به بررسی عرضه و تقاضای جهانی برای فولاد مبادرت ننموده و در رابطه با حل مشکل مازاد ظرفیت جهانی تولید فولاد نیز اقدامی بعمل نیامده است. در حال حاضر یک برخورد بین‌المللی به این مسائل می‌تواند دولت‌ها را مجبور به قبول ارائه یک راه حل بین‌المللی نماید.

نامبرده متذکر گردید خدمات مهمی که ژاپنی‌ها هم از لحاظ تکنولوژیکی و هم از نظر نوع مدیریت در مجتمع‌های تحت تملک خود در ایالات متحده انجام داده‌اند قابل تمجید است و از سوئی دیگر نماینده آن است که صنعت جهانی فولاد تقریباً بگونه‌ای غیر ارادی، به سمت بین‌المللی شدن گام برمی‌دارد. تولیدکنندگان فولاد و دولت‌های مختلف، بعوض آنکه تنها به تأمین منافع ملی خود همت‌گمارند می‌بایسد در پی دست‌یابی به

(۱) : که ما بین ایالات متحده و پاره‌ای از کشورهای صادرکننده فولاد انعقاد یافته و هدف از آن، کاهش میزان صادرات فولاد این کشورها به بازار ایالات متحده بوده است.

حداکثر منافع نسبی خود باشند و این امر می‌تواند که با استفاده از نظام موسوم به " Trigger Prices " ، در مورد فولاد نوعی موافقتنامه‌های تحدیدی بین المللی منعقد شود .

آقای " کالینز " پیشنهاد نمود که رهبری چنین اقدامات تجاری بین المللی می‌باید بدست کشورهای ژاپن ، " جامعه اقتصاد اروپا " و ایالات متحده صورت پذیرد چرا که ۷۵ درصد ظرفیت تولیدی و نیز مصرف جهانی فولاد بعهده کشورهای مذکور است و در ضمن ، بعضی از کشورهای کمتر توسعه یافته را نیز می‌باید بعداً " وارد این جریان نمود .

وی متذکر گشت که پس از انقضای " موافقتنامه‌های تحدید داوطلبانه صادرات فولاد " (VRA) ، احتمال وقوع پنج رخداد می‌رود . نخست آنکه در ایالات متحده مجدداً " تجارت آزاد فولاد حاکم گردد . مورد دوم آنکه در سطح بین المللی ، تجارت آزاد فولاد حاکم شود . مورد بعدی همانا تمديد نظام " VRA " شاید به مدت سه سال و مورد چهارم نیز انعقاد یک موافقتنامه بین المللی حفاظتی در مورد تجارت فولاد آنهم در چارچوب اصول " گات " ^(۱) می‌باشد . پنجمین آخرین مورد نیز انعقاد یک موافقتنامه بین المللی تجارت فولاد براساس چارچوب موافقتنامه منسوجات (الیاف چندگانه) است . آقای " کالینز " ، برقراری مجدد تجارت آزاد فولاد را در ایالات متحده غیرمحمتم دانست چرا که اخیراً " تلاشهایی از سوی کشورهای فاقد " VRA " صورت پذیرفت تا سهم خود از بازار فولاد ایالات متحده را فزونی بخشند .

(۱) : " موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت " .

از سوی دیگر، در حال حاضر تلاش در راستای برقراری تجارت آزاد فولاد آنهم در مقیاس جهانی نیز صرفاً " یک عمل تخیلی بیش نیست .

آقای " کالینز " متذکر گشت که پاره‌ای از محافل ، صنعت فولاد ایالات متحده را " غولی قدیمی که در شرف به گسل نشستن است " توصیف کرده‌اند حال آنکه می باید در سطح فدرال تلاش شود که به آن بعنوان یک صنعت " رقابت پذیر " و نه یک صنعت " رو به افول " نگریسته شود. در حال حاضر تولید کنندگان فولاد ایالات متحده قادرند که هم با تولید کنندگان ژاپنی و هم با تولید کنندگان فولاد کشورهای اروپای غربی به رقابت برخیزند. گرچه صنعت فولاد ژاپن از لحاظ تکنولوژیکی پیشرفته‌ترین صنعت فولاد جهان محسوب می‌گردد لکن افزایش ارزش برابری " یمن " موجب می شود که در سال جاری در حدود ۲ میلیارد دلار از درآمد حاصل از بازارهای صادراتی ژاپن کاسته شود و از سوئی دیگر برای پاره‌ای از مجتمع های تولیدی اروپای غربی نیز ادامهٔ حیسات آنهم بدون دریافت سوبسیدهای دولتی مشکل می نماید. در حال حاضر در اروپای غربی تنها تولید کنندگان انگلیسی " رقابت پذیرتر " از تولید کنندگان آمریکائی می باشند که آنهم معلول دستاورد شایان توجه آنها در تقلیل هزینه‌های تولیدی است .

آقای " کالینز " تصریح نمود که ظرفیت جاری تولید فولاد ایالات متحده برابر با ۱۱۲ میلیون تن (کوچک) است که می توان آنرا به ۹۰ تا ۱۰۰ میلیون تن (کوچک) کاهش داد. در حال حاضر مصرف فرآورده‌های نهائی فولاد نیز در ایالات متحده چیزی بین ۸۶ تا ۹۲ میلیون تن می‌باشد که بین ۶۵ تا ۷۲ میلیون تن

(کوچک) آن از طریق تولیدات داخلی و بین ۲۰ تا ۳۰ میلیون تن نیز از طریق واردات فولاد تأمین می‌گردد . واردات فولاد، آنهم در قالب درصدی از مصرف کل فولاد ایالات متحده ، دچار فزونی شده است که دلیل آن عمدتاً " بالا بردن ارزش برابری " دلار " در گذشته بوده است . کاهش اخیر ارزش برابری " دلار " ممکن است که این وضعیت را دچار تغییر سازد چرا که اروپائیان نیز در خواهند یافت که در بازار فولاد ایالات متحده پول چندانی جهت تملک موجود نیست .

آقای " کالینز " خاطر نشان ساخت که برای هیأت مدیره " NSPA " ، ارتقاء سطح رقابت پذیری صنعت فولاد ایالات متحده امری مهم محسوب می‌شود . این هیأت مدیره جدیداً " برپا گردیده و در عرض دو ماه آینده میادرت به برپائی یک اجلاس خواهد نمود . وی متذکر گشت که احتمالاً آقای " کن ایورسون " (از شرکت " نوکور ") نیز به اعضای هیأت مدیره " NSPA " خواهد پیوست . سایر شرکتهائی نیز که مایلند جذب این ارگان شوند عبارت از " نورت استار استیل " ، " نورت وسترن استیل " و " جورج تاون استیل " می باشند . معهداً آقای " کالینز " تصریح نمود که در حال حاضر ، دست اندرکاران " NSPA " انتظار ندارند که مجتمع های عمده زنجیره ای فولاد سازی ایالات متحده نیز درخواست عضویت در این اتحادیه را بنمایند .